



سید بشیر بهمن

به " پیام فدایی - ارگان چریکهای فدایی خلق ایران "

به پیشواز بیست و هفتمین سالروز شهادت رفیق بهمن (۱۳۶۰/۴/۱۲) ؛
یک تن از اسطوره های مقاومت جنبش کمونیستی افغانستان و رفقای
شهید سازمان تسلیم ناپذیر " ساو " . تقدیم شان باد این سروده .
کبیر توخی تورنتو (۲۰۰۸/۶/۲۰)

بهمن (۱)

ای گشته نام نامی ات
درج کتیه ی زمان
درستایشت چه نارسایم من .
ای جایگاه اسطوره مقاومت
بلندتر از پرواز عقابان در سپهر نیلگون
که از آن اوج ها ، از آن رفعتگی زیبا
نظاره گر جنگ زاغ وزغن و کرگس و کفتارند
بر سر دریدن سرزمین خونین پیکر مان .
در ستایشت چه نارسایم ، من

ای تو در زندان،
ای تو در میان کام و دندان

(دندان اژدهای هزار دهان)

در لحظه های زودگذر

در لحظه های دیر پای

و در لحظه های انجماد سلولستان قیرگون

هزاران بار،

الماس تن و پیکرت جویده می شد .

تا بشکند و بکشد و باز هم بشکند

قامت استوار و بلندت

که نه شکست قامتت و خم نشد گردنت.

دشمنان کردند فتنه ها ، و نشستند به تدبیر

از برای فرو بردنت ، در مرداب " تسلیم " . . .

ای فرجادِ باورمند به امر رهائی انسان درد مند

- از اسارت یوغ خونین سرمایه -

که تهمتنت خواندند "رهزنان موطلا" ؛ (۲)

و دژخیمان سیه روی فروخته سر

کشیدندت به بندی دیوار و حلقه و قفل و در

و باز هم قفل و باز هم حلقه و باز هم در .

و جلادان ؛ چه بی مهابا

می ریختند در هر پیچ و هر تاب عضله های ورزیده ات

مذاب غل و زنجیر را

و می خواستند بر بایند از کنجینه اسرار نهانت

رمز و راز " لعل شبچراغ " پنهانت (۳)

و تو ، ای اسطوره ی استوار ، مقاومت ها

که در برابر هر پرسش ،

در برابر هر خواست مزدوران دشمن

- دشمن ی مهاجم از آنطرف " آمو دریا " -
افشاندی بر منحوس چهره های کریه و کرگسی شان
تف و تف ، و باز هم تف
که نمی ارزیدند به تف .

و ز شکنجه هایت که تصویرگرش نتوانم شد،
چه بگویم که نارسایم ، من .
از چوکی چرکین - آغشته به دلمه های خون -
که چون تو ،
بستند هزاران جنگاور سوگوار و خونین تن مقاومت را
باتسمه و حلقه و زنجیر
از برای " شوک " های " الکتریک "
و ؛ اما ،

تو را ؛ با " ولتاژ " بس بلند
" ولتاژ " ای که اتصال آن بر جانست
لرزاندت و تکاندت و کف آورد بر دهانت
؛ مگر دشمن زیون (شرمسار)
حرفی نشنید از زبانت .

باز برق و برق و باز هم برق
نبودت بیمی از برق و مرگ
که از خروش خون هر رگ ایمانت
بر می خاست آذرخش آرمانت ،

بهمن !

گفته ات آمد بیاد :

« شورش بر ضد اشغال ، برحق است در هر کجا »

ببین ، ببین ، که مفهوم نام پرشکوهت

جاریست در بستر نبرد کار با سرمایه

هم در آغاز و هم در زندان و هم اکنون که در کشورت ،

برضد تطهیر و تقدیس تجاوزگران امریکا

آشوب و شور و شراره شده بر پا .

(۱) - « بهمن (سید بشیر بهمن) عضو کمیته مرکزی سازمان انقلابی و طن پرستان واقعی ("ساوو") بود. وی از چهره های محبوب و سرشناس جنبش انقلابی [کمونیستی ضد امپریالیستی و نوکران اخوانی آن]، ضد سوسیال امپریالیستی و عمال پرچمی - خلقی - [وسازایی آن، و ضد طبقات حاکمه] و سایر مرتجعان دیگر به شمار می رفت .

هنگامیکه محصل فاکولته حقوق بود (۱۳۴۷) . به خاطر فعالیت های سیاسی محکوم به چهار سال حبس در زندان معروف دهمزنگ کابل گردید. بعد از سپری نمودن زندان، فاکولته حقوق را [در پوهنتون کابل (دانشگاه)] به اتمام رساند. در وزارت عدلیه مشغول کار شد.

بهمن هشت ماه بعد از تجاوز ارتش اشغالگر روس به افغانستان ، به تاریخ چهارم سنبله ۱۳۵۹ با سه تن از همزمانش توسط خادی های مزدور دستگیر شد، و به تاریخ دوازدهم سرطان ۱۳۶۰، با پنج همزنجیرش (استاد مسجدی ، انجنیر لطیف محمودی ، نجیب ، یونس زریاب و شیر علم) ؛ اعدام گردید. [این کمونیست نامورکشور] در زیر شکنجه های وحشیانه جلادان خادی آموزش دیده در شوروی [که به دستور مشاورین نظامی روسی، بر پیکر پولادینش تمرین میشد] حماسه آفرید. هیبت و صلابتش در جریان شکنجه، پشت KGB و چاکران خلقی - پرچمی اشرا به لرزه در آورد. چنانچه دژخیمان خاد [که در برابر زندانیان یک دیگر شان را "لا لا" صدا می زدند] نالش کنان به همدیگر می گفتند: "لا لا، چوب سر آب را هر چه می زنیم زیر نمی نشیند". و جلاد دیگر [از جمله قیوم صافی] شکوه کنان می گفت: "هر دفعه که از او سوال می کنیم به روی ما تف می اندازد...". بهمن بار ها تاکید می کرد که اخوان دهها بار سفاکتر و میهن فروستر از خلقی ها و پرچمی هاست؛ حتی لحظه ای از مبارزه بر ضد آنان نباید غافل شد.

"افسوس که بهمن زنده نماند تا به چشم واقعیت آنچه را بر زبان رانده بود مشاهده می کرد و با استواری بی نظیرش علیه خابنان بنیاد گرا نیز حماسه می آفرید." .

[در ختم یادداشت از این قلم در مورد بهمن، جمله اخیر ("افسوس که بهمن...") از جانب دوستی که سروده فوق را به سایت "به اشعار دشنه گون خوش آمدید" فرستاده بود، علاوه شده، و نکات بین مربع قوس] [در جریان چاپ این دفتر به زیر نویس اضافه گردیده است].

سالهاست که "عبور لحظه ها" در سایت وزین و پر محتوای ("به اشعار دشنه گون خوش آمدید") بر قرار می باشد .

مجموعه اشعار متن دفتر "عبور لحظه ها" بر روی سایت چریکهای فدایی خلق ایران (<http://www.fadaee.org/>) یا (<http://www.siahkal.com>) "سایت وزین (www.baaba.eu) و سایت وزین (www.payameazadi.org) نیز برقرار گردیده است (پ. رتیل)

(۲) - "رهزان موطلا": اشاره به اعضای (KGB) در نقش مشاورین نظامی شکنجه گاههای خاد و زندان ها در افغانستان .

(۳) - "لعل شبچراغ" اشاره ایست به سازمان تسلیم ناپذیر ("ساوو") .